



۲۰۱۸/۱۰/۰۵

عارف عباسی

تقدیس از مقام ارجمند معلم!

در ساختار شخصیت و تربیت سالم یک فرد دو محیط نقش براننده و مهم دارد، اول محیط مساعد و با صلح و صفای خانواده و دومی محیط آموزشی و تدریسی است.

البته در جوامع مثل افغانستان با روابط محکم خانوادگی این محیط منحصر به پدر و مادر نمانده خواهران و برادران و کاکا و ماما و عمه ها و خاله ها و همسران شان را احتوا می کند که در کل بالای روش، طرز تفکر اسلوب روابط اجتماعی یک شخص تأثیر بسزا دارد و همواره نیکویی یک شخص به تربیه خوب خانوادگی اش نسبت داده می شود. دانش، فهم، اهلیت و کفایت به هر پیمانیه ای که باشد ثمره زحمات و مساعی اساتید محترم در دوره های مختلف تحصیلی است.

محیط آموزشی که تربیت، توسعه فهم، دانش و پرورشگاه استعداد های نهفته است ساختار های فزیکیه بوده که کودکی، مکتب، پوهنخی و پوهنتون است که روح این مؤسسات معلمین است که نه تنها اندوخته های علمی شان بلکه احساس مسؤولیت، شیوه تدریس و طرز برخورد شان با آموزنده بالای روحیه و گرفت شاگرد مؤثر است.

ما وقتی از معلم حرف می زنیم کله ما به هفتاد سال قبل دور خورده چهره آن فرشتگان متواضع و مهربان معلمین مکتب نزد ما مجسم می شود که با چه عواید و معاشات کم این شغل مقدس را قبول و از وضع شان پیدا بود که حتی جای صبح لازم نخورده با یک پیاله چای شیرین و توتیه نان خشکی پای پیاده و یا با بایسکل از فواصل دور به مکتب می آمدند.

هیچ به خاطر ندارم که دریشی معلمی در طول سال درسی تبدیل شده باشد. ولی با این همه مشکلات به شغل خود افتخار نموده شاگرد را عین اولاد خود دانسته برای آموختاندنش سعی می کردند و بیشترین وقت را با به اصطلاح با شاگردان تنبل و یا این که در گرفت مشکل داشتند سپری می کردند، خشونت و تأدیب معلم که رسم جامعه بود بر اساس دلسوزی و به راه آوردن شاگرد بود.

مردمانی بودند مهربان تر از پدر و مادر که در شش ساعت درسی از صنفی به صنفی رفته متواتر تدریس می کردند و خسته نمی شدند. بعضی خوش خو و بعضی طبیعتاً بد قهر و بدخو بودند ولی خلق و خوی شان تغییری در احساس

مسئولیت شان وارد نمی کرد و بعضی برای جلوگیری از سوء استفاده شاگرد از مهربانی اش خود را بدخو نشان می دادند. ولی مزاح های خوب و در چوکات ادب مورد پسند معلمین هم واقع می شد.

در صنوف بالاتر با معلمین خود به کوهدامن و یا پغمان به دعوت پدر یک شاگرد و یا انداز میله می رفتیم که با هر معلمی آزادانه صحبت نموده موسیقی می نواختیم و یا قطعه بازی می کردیم، بعضی از معلمین با مهربانی های خاص و شخصیت عالی خود چنان شهرتی در مکتب کسب می نمودند که خاطرات آن در قلب و دماغ شاگرد در طول زندگی اش حک می شد.

سرزمین ما مقام اوستادان بوده است

باز بین از بلخ بامی (۱) تا به اقصای هری

بر سنایی (۲) بین که برتر رفته در سیر معاد

با عروج معنوی از پایگاه مشتری

استاد خلیل الله خلیلی

می گویند دو طبقه به ارتقاء، پیش رفت و به مقام بلند رسیدن یک شخص حسود نشده بلکه افتخار می کنند یکی والدین و دیگری معلمین است.

در امتحانات اخیر سال مفتشین وزارت معارف به حیث ممتحن می آمدند، من متوجه مسرت عمیق معلم وقتی می شدم که جواب صحیح در حضور ممتحن به سؤالش می دادم و می گفت «بچیم سر مرا بلند کردی».

هر مکتبی روز معلم را با جشن های پر شکوه کنسرت ها و کنفرانس ها تجلیل می کرد.

من مأمور وزارت زراعت بودم و هفته چند بار به ارتباط و وظیفه در رادیو افغانستان در پروگرام زراعتی گپ می زدم. روزی معلم محترم و بزرگووارم سید محمد نبی آقا که معلم دری ما در مکتب بود و در جمال مینه سکونت داشت به دفترم آمد و گفت آمده ام برایت تیریک بگویم چه فصیح صحبت می کنی و چه عالی مطابق فهم دهقان توضیحات می دهی. می دانید که چشمانم از اشک پر شد و به خود بالیدم دستانش را بوسیده به چشمانم مالیدم و گفتم استاد همه از برکت خیرات شما است.

بهترین خاطره زندگی ام سیر علمی صنف دوازده به بامیان بود که با معلمین خود محترمانه سید امان آقا، جناب محب الله رحمتی و جناب ناجی صاحب رفتیم و نبی عظیمی پرچمی نویسنده کتاب «اردو و سیاست» و رحیم وردک که وزیر دفاع شد هم صنفان ما بودند.

دوره تحصیلات بلند تر در پوهنخی اقتصاد با وصفی که توأمیت با پوهنتون «کولن» آلمان بود و پروفیسور های آلمانی تدریس می کردند ما استادان افغان از شخصیت های برجسته و قابل افتخار وطن چون داکتر پروفیسور عبدالواحد سرابی، پرو فیسور داکتر فاروق اعتمادی، پروفیسور داکتر غلام دستگیر عظیمی، پروفیسور داکتر غنی

۱- بامی - سرسبز

۲- اشارت است به کتاب "سیرالعباد سنائی"

غوټی، پروفیسور داکتر عارف غوټی، پروفیسور داکتر سید شرف الدین شرف. پروفیسور داکتر حیدر داور، پروفیسور داکتر امان و پروفیسور غلام سخی مصون و محترمانه دیگرې که نام شان به خاطر م نیست و اکثریت به مقام وزارت رسیدند و جوانان افغان اسیستانت حالا به درجه داکتری رسیدند.

این روز را به تمام معلمین کشور تبریک عرض نموده، من به تمام استادان محترم خود سر تعظیم فرود آورده و این روز را مبارک گفته، و آنانی که به رضای حق پیوسته و این جهان فانی را ترک نموده اند به روح شان اتحاف دعا نموده و آمرزش و رحمت الهی را برای شان استدعا دارم و ذوات محترمی که حیات دارند برای شان طول عمر با صحت می خواهم.

پایان

